

پانته آ

داستان عشقی راستین

بشیرز جلالی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه	: جلالی، بیژن، ۱۳۲۵
عنوان و نام پدیدآور	: پانته‌آ- داستان عشقی راستین/ بیژن جلالی
مشخصات نشر	: تهران، آرون، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۱۲۰ ص.
شابک	: ۹ - ۹۲۹ - ۲۳۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸.
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا.
موضوع	: کوروش هخامنشی، شاه ایران - ۵۲۹ ق.م - داستان
موضوع	: Cyrus, The Great, King of Persia - Fiction
موضوع	: داستان‌های فارسی - داستان‌های تاریخی
موضوع	: Persian fiction - Historical fiction
رده‌بندی کنگره	: PIR ۸۳۳۹
رده‌بندی دیویی	: ۸۳۳ / ۶۲
شماره کتابخانه ملی	: ۷۳۵۸۰۱۶



پانته‌آ داستان عشقی راستین

نویسنده: بیژن جلالی
ناشر: انتشارات آرون
چاپ اول: ۱۳۹۹
چاپ صدف: ۵۰۰ نسخه
۳۰,۰۰۰ تومان

نشانی: میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان وحید نظری
نرسیده به خیابان منیری جاوید، پلاک ۱۰۵، واحد ۳ تلفن: ۵۱ - ۶۶۹۶۲۸۵۰
ایمیل: Arvannashr@yahoo.com وبسایت: www.Aravannashr.ir

فهرست مطالب

۱- آنچه درباره‌ی کوروش گفته شده.....	۷
۲- پیش‌نوشتار.....	۹
۳- شناخت کزنوفون.....	۲۱
۴- زندگی و مرگ کوروش بزرگ.....	۲۵
۵- داستان پانته‌آ.....	۱۰۲
درباره‌ی نویسند.....	۱۱۸
منابع و مآخذ.....	۱۲۰

۲- پیش‌نوشتار

شاهنشاهی کوروش^۱ در میان پادشاهی‌های آسیا از همه خوش‌تر درخشید و شکوهمندتر بود. مرزهای این شاهنشاهی از خاور به سرخ^۲ دریا می‌پیوست و از شمال به سیاه^۳ دریا. از باختر به قبرس^۴ کشیده می‌شد و کُیت^۵ و از جنوب به اتیوپیه^۶ می‌رسید و کشور دارای این فراخ سرزمین و شهرها و دیه‌های‌اش^۷ همه با ذهن و خرد یک مرد بود و بس. کوروش، وی رعیت خویش در این فراخ گسترده تیمار^۸ می‌داشت و ارج می‌نهاد. چنانچه چون پدری که فرزندان تیمار دارد و ارج گذارد و آنان که رشته‌ی فرمان^۹ بر گردن می‌گذاشتند، همانند پدر خویش، وی را ارج می‌نهادند^۹.

^۱ کوروش: در اینجا منظور کوروش جوان است.

^۲ سرخ دریا: یا دریای سرخ، حد فاصل بین در قاره آسیا و آفریقا است.

^۳ سیاه دریا: یا دریای سیاه دریایی است واقع در جنوب شرقی اروپای امروز منشعب از دریای مدیترانه.

^۴ قبرس: کشوری جزیره‌ای در شرق دریای مدیترانه.

^۵ کُیت: مصر

^۶ اتیوپیه: با نام تاریخی حبشه واقع در شاخ آفریقا (محصور در خشک)

^۷ دیه: ده، روستا

^۸ تیمار: خدمت و غمخواری، پرستاری، فکر و اندیشه

^۹ کتاب زندگی کوروش، نوشته: کزنوفون، ترجمه ابوالحسن تهامی، تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۹۰.

اما دیر هنگامی از مرگ وی نگذشته، پسران کشمکش آغازیدند. شهرها و ملت‌ها شوریدند و همه چیز در تباهی افتاد. من راستی سخن خود آشکار می‌کنم و نخست از نادرستی ایشان می‌آغازم گرچه آگاهم که در روزهای نخستین، شاه جوان و زیردستان‌اش آن سوگندها که آورد بودند نگاه داشتند و آن مژده‌ها که داده بودند برآوردند. حتی به پدیدترین بزه‌کاران و اگر چنین نمی‌بود منش ایشان و آوازه‌ی ایشان هیچ‌یک از آن هِلَنیک^۱ سپهداران که در لشکرکشی کوروش جوان وی را همراه کردند، مژده‌های پارسیان دل نمی‌بستند. آن سپهداران با پارسیان پیمان می‌کردند که اگر پیمان‌شکنی پارسیان چون امروز آشکاره بود و چنان‌که هِلَنیک سپهداران به آوازه‌ی دیرین ایشان امید بستند و به نیروهای ایشان پیوستند و بسیاری‌شان را به نزد شاه برده سر از پیکر گسستند، راه را به کشته شدن کلرخوس سردار اسپارتی کوروش جوان به دست مردان اردشیر دوم در جلسه گفت‌وگوی صلح، پس از کشته شدن کوروش جوان است. بسیاری از آسیائیان نیز که در همان جنگ بودند، فریفته^۲ رده‌هایی^۳ چند شده، جان گرامی به باد دادند.

پارسیان در دیگر راه‌ها نیز کژرفتاری^۴ پیشه کردند. در روزگار پیشین، دست‌آوردهای گردن‌فرازان^۵ راه رسیدن به نامداری بود. هر مرد

^۱. هِلَنیک (Hellenic): یونانی، مربوط به یونان

^۲. فریفته: فریب خورده، فریفته

^۳. مژده: بشارت، خبر خوش، وعده خوش

^۴. کژرفتاری: بدرفتاری، رفتار ناشایست، ناراست

^۵. گردن‌فرازی: سرافرازی، سربلندی، مناعت

که جان خویش از بهر شاه به خطر می‌افکند، یا شهر و کشوری به زیر نگین وی می‌کشاند، به گردن‌فرازی می‌رسید و به نام‌برداری. اما اکنون آن مهرداد نام‌ها که ناراستی کنند با پدر خویش آریوبرزن‌ها^۱ و یا آن رثومیتره^۲ نام‌ها که زن و فرزند رها کنند و پسران دوستان را در بارگاه گپت^۳ به گروگان گذارند. نام‌بردار شوند و بر جایگاه‌های بلند نشینند و اکنون مردمان آسیا با این‌گونه نمونه‌ها که پیش‌رو دارند، به پیمان شکنی و کژی گراییده‌اند، زیرا که مردمان راه و شیوه‌ی پادشاهان خوبان می‌گزینند. از این‌روست که قانون‌ستیزی دامن گسترده است میان‌شان و بیدار می‌افزاید میان‌شان و دزدی نیز، نه تنها بزهکاران^۴ که مردمان بی‌گناه را به زده ناگزیر به پرداخت تاوان‌های کلان می‌کنند.

امروزه به ترانگی نام‌دار بودن خطر بیش دارد تا گناهکار بودند، به گونه‌ای که توانگران، یارای سودا^۵ کردن با نیرومندان نیست و حتی یارای آن ندارند که به دیدار رده‌ها، سپاهیان شاهی شوند. از این‌روست که در این روزگار هر که خود را جنگ‌بارسیان رود، با آنکه سپاهی به رویارویی وی آید و وی زخمه‌ی^۶ او را، تا به دل کشور می‌تازد و به پیش می‌رود، زیرا که ایشان ایزدان را از یاد برده به هم‌کیش و هم‌کشور

^۱ آریوبرزن: نام یکی از شاهزادگان هخامنشی و سردار ایرانی بود که در برابر سپاه اسکندر مقدونی ایستادگی کرد و خود و سربازانش کشته شدند.

^۲ رثومیتره: یا میترا، یکی از خدایان کهن و باستانی آریایی، مهر یا میترا.

^۳ گپت: مصر.

^۴ بزهکاران: خطاکاران، گناهکاران.

^۵ سودا کردن: فکر کردن.

^۶ زخمه: ضربه.

خویش بیداد می‌کنند. امروزه دل‌ها و ذهن‌های ایشان بس فروبایه‌تر است از روزگار پیشین.^۱

و امروزه چنان روزگار پیشین در اندیشه‌ی نیک‌داشت^۲ خویش نیستند. در روزگار پیشین ایشان را آیین بود که در میان همگان آب همان و آب بینی به بیرون نیفکنند. هویدا است که این آیین‌ها از بهر نیک‌داشت آبگونه‌های پیکر آدمی نهاده بودند که از بهر خویشنداری و نیروی بدست از منش مردمان گذاشته بودند. امروزه اگرچه هنوز این آیین مهمانست و به جای می‌آید، اما شور پیکرپروری^۳ و پهلوانی رفته‌رفته فراموش می‌شود و نیز آغاز اینان را آیین بود که روزی یک‌بار خوراک بیش نگرفتند که ایشان را زمان بسیار می‌داد تا به پیکرپروری با سودای بازارگانی پرداختند. یک خوراک در روز هنوز برجاست، اما آن را در زودترین هنگام روز می‌خورند که ناشتاشان باشد و خورد و توش پس از آن دنبال می‌شود تا شب فروانند و هنگام خواب رسد.^۴

از آغاز چنین نهاده بودند که به من شب‌دانه^۵ به مهمانسرا نارواست و این از بهر آن بود که با کم‌نوشی نیازی به آن نیفتد که مردمان با کم‌نوشی و کم‌خواری نیرومند بمانند و بس نیگیرد. اگرچه

۱. کوروش پیام‌آور کبیر، نوشته: قاسم آذینی‌فر، تهران: نشر دارینوس، ۱۳۸۰.

۲. نیک‌داشت: مراقبت

۳. پیکرپروری: ورزش تناسب اندام

۴. کتاب زندگی کوروش، نوشته: کزنوفون، ترجمه ابوالحسن تهامی، تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۹۰.

۵. پیشاب‌دان: ظرفی که در آن ادرار می‌ریختند.

امروزه نیز بردن چنان آوندها^۱ به مهمانسراها را ناشایست می‌دانند، در باده‌پیمائی چندان پیش می‌روند که از خویشتن بیرون می‌شوند و سست که بر پای ایستادن نمی‌توانند.

پارسیان را آیینی همگانی بود که به هنگام راه رفتن نخوارند^۲ و سپاه نیز در پویدن^۳ خوراک نمی‌گرفت و دیگر آرزوهای تن را بر نمی‌آورد. امروزه نیز گرچه این آیین‌ها برجاست، درازی پوش‌های سپاه‌ن‌ندان کوتاه گشته است که خویشتن‌داری و بردباری نمی‌امرد.

من به درستی نمی‌پندارم که آنچه از پارسیان برشمردم جز راستی نیست. بر آن‌ام که پارسیان امروز و هم‌پیمانانشان کمتر به این گرایش دارند تا به روزگار پیشین و کمتر در خدمت هم‌گنان^۴ خویش‌اند. کمتر داد می‌ورزند به مردمان دیگ و کمتر دلاوری دارند در میدان جنگ و اگر کس سخن من باور نمی‌دارد، بگذرد تا روّد و ایشان را بیازماید و آن‌گاه خواهد دانست که من هر آنچه گفته‌ام جز راستی و درستی نبوده است.^۵

^۱ آوند: ظرف

^۲ نخوارند: نخورند

^۳ پویدن: حرکت کردن

^۴ هم‌گنان: هم‌نوعان، هم‌ترازان

^۵ کتاب زندگی کوروش، نوشته: کرنوفون، ترجمه ابوالحسن تهامی، تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۹۰.